

### بادرنگی مختصر،

بر پاره ای از عملکرد های جمهوری اسلامی ایران،  
می توان ماهیت اصلی آن را بر ملا نمود.

کبیر توخی قبلاً با نام مستعار (ستیزمند)

(۲۴می ۲۰۰۷)

۸- " آئین نامه نحوه اجرای احکام قصاص ، رجم - قتل ، صلب ، اعدام و شلاق " در جمهوری اسلامی ایران.

۹- چگونگی شکنجه و اعدام در زندان های جمهوری اسلامی ایران از دید ایرج مصداقی.

### قسمت ۵

۸- نگاهی به بخشی از " آئین نامه نحوه اجرای احکام قصاص ، رجم ، قتل ، صلب ، اعدام و شلاق " در جمهوری اسلامی ایران :

از آن بخش " آئین نامه ... " آغاز می کنم که نویسنده در نشریه " ایران استار " نوشته :

« ... سال از اجرای این مجازات های خشن و نا انسانی می گذرد نه فقط تا کنون قدمی برای لغو آن بر نداشته است که اخیراً طی آئین نامه ای نحوه اجرای انواع این مجازات ها را نیز مشخص کرده است ... متن این آئین نامه که در شماره ... روزنامه رسمی جمهوری اسلامی به تاریخ ۱۹ آذر [قوس] ۱۳۸۲ درج شدن است نشان می دهد که درست در هفته ها و ماه هائی که مأموران جمهوری اسلامی در گفت و گو با مقامات غربی از بهتر شدن وضع حقوق بشر در ایران سخن می گفتند و برای نمونه لغو مجازات سنگسار را به آنان وعده می دادند نه تنها چنین قصدی نداشتند ، بلکه در حال تنظیم آئین نامه آن بوده اند ... تهیه و تصویب این آئین نامه را باید کار مشترک دو قوه مجریه و قضایه جمهوری اسلامی ایران دانست .

آئین نامه ، همانطور که از عنوان آن بر می آید تنها به موضوع شلاق و اعدام که در جمهوری اسلامی به صورت روزمره رواج دارد اکتفاء نمی کند و بلکه مقولاتی دیگر از جمله سنگسار ، قتل و صلب ( به صلیب

کشیدن ) را نیز در بر گرفته است . شاید برای غالب ایرانیان که شاهد خشونت های فراوان و بی حد جمهوری اسلامی بوده اند باور کردنی نباشد که انواع مجازات های خشونت بار و آدم کشی قانونی در این جمهوری از نمونه های شناخته شده آن به مراتب فراتر می رود و به حدی باور نکردنی می رسد . علاوه بر این ، نویسندگان و تصویب کنندگان این آئین نامه (و قوانین مربوط به آن) چنان با خون سردی و سنگدلی از اجرای مجازات ها سخن می گویند که گوئی کمترین احساس انسانی در آنان یافت نمی شود .

در ماده ۱۴ آئین نامه می گوید :

« اجرای قصاص نفس ، قتل و اعدام ممکن است به صورت حلق آویز به چوبه دار ، و یا شلیک اسلحه آتشین و یا اتصال الکتریسیته و یا به نحو دیگر به تشخیص قاضی صادر کننده رأی انجام گیرد . » اعدام به وسیله چوبه دار و یا جوخه آتش روش غالب آدمکشی قانونی در جمهوری اسلامی بوده است . اکنون می خوانیم که استفاده از برق نیز برای این کار مجاز شناخته شده است . مقامات جمهوری اسلامی ایران ظاهراً برای "مدرن" کردن شیوه های آدم کشی خود ، این روش را که در برخی از ایالت های ابر قدرت جهانی (امریکا) اعدام رواج دارد نیز پسندیده و آن را مجاز دانسته اند ...

در ماده یاد شده همانطوری که دیده می شود به شیوه های یاد شده اکتفاء نمی کند و بلکه علاوه بر آن به قاضی اجازه می دهد که " به نحو دیگر" اسیر را بکشد . به موجب این ماده ، قاضی می تواند به هر نوع دلخواه، از گردن زدن گرفته تا از بلندی پرت کردن و دیوار بر روی محکوم خراب کردن و سنگسار که در جمهوری اسلامی ایران و افغانستان طالبان و عربستان سعودی رایج بوده است ، و یا هر شیوه ابداعی دیگری که خود بیندیشد و یا بتواند از دوران بربریت بشر اقتباس کند ، آدم را به کشتن دهد . به عبارت دیگر آئین نامه هیچ حد و مرزی برای خشونت و سببیت در "قتل و اعدام" نمی شناسد . آئین نامه ای که در سال هفتم حکومت آقای خاتمی ظاهراً برای نظم دادن به کار قاضیان و مجریان قتل و اعدام تنظیم شده در عمل راه را برای اعمال هر نوع خشونت باز گذاشته است .

مبحث چهارم این آئین نامه که به " تشریفات خاص اجرای حد رجم " (سنگسار) اختصاص یافته است وطی ۳ ماده و ۲ تبصره نحوه اجرای این مجازات ضد انسانی را توضیح داده است . در اینجا می خوانیم که "لازم است حد اقل سه نفر از مؤمنین در زمان اجرای حد حضور داشته باشند" (ماده ۲۱) . هم چنین مأموران "موظفند بدو محل اجرای حد را به کیفیت مقرر در ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی حفر نموده و مقداری سنگ به اندازه های مقرر در ماده ۱۰۴ همان قانون در محل اجرای حکم آماده کنند" (ماده ۲۱) . در ماده بعدی ، آئین نامه تعیین می کند که در چه شرایطی سنگ اول را قاضی صادر کننده حکم یا شاهدان باید بزنند . علاوه بر این، در یک تبصره مشخص می کند که چگونه محکوم می تواند در صورتی که زنا به اقرار خود اثبات شده باشد با فرار از گودال ، خود را از مرگ نجات دهد . فراموش نکنیم که بر اساس قانون مجازات اسلامی ، برای سنگسار ، مرد را تا کمر و زن را تا سینه زیر خاک می کنند ، و در این صورت معلوم است که کدام یک از آنان

(حتا صرفنظر از قدرت جسمی متفاوتشان) شانس بیشتری برای بر کشیدن خود از گودال و فرار از مرگ زجر آور خود دارند . و باز فراموش نکنیم که "مؤمنین" حاضر در صحنه که وظیفه زجر کشی محکوم به سنگسار را به عهده دارند مردند ، و عملاً با قساوت بیشتری سنگ پاره های خود را به سوی زن "محکوم" مرگ پرتاب می کنند .

در محبت پنجم ما با " تشریفات خاص اجرای حد صلب " آشنا می شویم در ماده ۲۴ آئین نامه می خوانیم :

" در اجرای حد صلب محکوم را به چوبه دار که شبیه صلیب تهیه شده ، در حالتی که پشت به صلیب و رو به قبله بوده و پاهایش مقداری از زمین فاصله داشته باشد آویزان کرده و دست های وی را به دو چوب افقی و پاهایش را به چوبه عمودی می بندند و به مدت سه روز تحت حفاظت و مراقبت مأمورین نیروی انتظامی به همان حال رها می کنند " چنین است . دو هزار سال پس از داستان به صلیب کشیدن مسیح ، جمهوری اسلامی ایران این شیوه زجر آور را برای کشتن یک انسان به کار می گیرد و در اوج جنبش اصلاح طلبی خود برای آن آئین نامه می نویسد . در اینجا قاضی مربوطه حکم را صادر می کند و می رود . ولی تصور کنیم که مأموران انتظامی باید پیوسته مراقبت زجر کشی انسانی باشند که بر صلیب آویزان شده و زیر چشم آنان به تدریج جان می دهد . البته اگر محکوم جثه ای قوی و بدنی سالم داشته باشد ممکن از این شکنجه سه شبانه روز جان سالم به در ببرد . ماده یاد شده می گوید که پس از انقضای سه روز ، او را از چوبه دار پائین می آورند ، اگر فوت کرده باشد پس از انجام مراسم مذهبی دفن و در غیر این صورت او را رها می کنند " یعنی باز در جمهوری اسلامی ضعیف ها اند که باید از طریق صلب یا سنگسار زیر شکنجه جان دهند .

... آئین نامه یاد شده که همین چند ماه پیش تصویب گردیده و به مرحله اجراء گذاشته شده است سندی رسوا و تکان دهنده از خشونت و حشیانه قانونی و سازمان یافته در جمهوری اسلامی به شمار می رود . این سند نشان می دهد که خلاف ادعا های رهبران این جمهوری در مجامع بین المللی ، و داعیه های مدنیت و حقوق بشری که از چند گاهی سر داده می شود ، جمهوری اسلامی همچنان صحنه های اعمال سبعانه ترین و ضد انسانی ترین شیوه های مجازات دوران وحشت بشری است و با جهان مدرن و انسانی امروز کمترین میانه ای ندارد . جمهوری اسلامی را نه تغییری که اصلاح طلبان در چند سال اخیر در رونمای آن ایجاد کرده اند و یا چهره خندان آقای خاتمی ، بلکه نهاد های قدرتمند ولایت فقیه و نهاد های وابسته به آن و از جمله قوه قضائیه و شلاق و کشتن و سنگسار و دست و پا بریدن و به صلیب کشیدن تعریف می کنند . و وقتی که شش سال (هم اکنون که نهم ماه می سال ۲۰۰۷ می باشد پوره نه سال - ... ) پس از آغاز جنبش اصلاح طلبی ما شاهد صدور چنین آئین نامه هائی هستیم ، آیا هنوز هم جایی برای سخن گفتن از اصلاح پذیری این رژیم باقی می ماند ؟ «

## ۹- چگونگی شکنجه و اعدام در زندان های جمهوری اسلامی ( از دید ایرج مصداقی ) :

با ابراز سپاس از خوانندگانی که با حوصله مندی تا اینجا مسأله را دنبال کرده اند ، توجه شان را به زجر ، شکنجه ، کشتار ، اعدام و اعدام های دسته جمعی که به طور غیر رسمی و غیر علنی و در خفاء و در تیرگی شب های هولناک در زندان های جمهوری اسلامی به وقوع پیوسته ؛ جلب می نمایم .

نمی دانم چه تعداد کتاب در مورد زندان های رژیم شاه و جمهوری اسلامی نوشته شده است . در میان خاطراتی که مربوط زندان های رژیم شاه می شود یک اثر آموزنده و معروف که به زبانهای عربی و انگلیسی نیز ترجمه شده از شخصیت برجسته جنبش انقلابی ایران اشرف دهقانی تحت عنوان " حماسه مقاومت " بوده که چاپ اول آن سال ۱۳۵۲ را نشان می دهد. این زندانی دوران شاه، تصویر روشن و رئالیستیک – به مفهوم برداشت دیالکتیکی - حوادث و وقایع خونبار داخل زندان های شاه را پیش چشم خواننده می گذارد ، چنانکه این اثر پر اهمیت شکل کتاب آموزشی را برای سازمان های مبارز ایران ، افغانستان ، منطقه و کشور های امریکای لاتین گرفته است . [\*]

[\*] - زمانی که صورت تکامل یافته این اثر زیر عنوان "درجدال با خاموشی" به دسترس این قلم قرار گرفت، به تاریخ ۲۶ / جدی / ۲۰۰۷ نقدی بر آن تحت عنوان ( « تأملی بر کتاب " در جدال با خاموشی اثری از نماد مبارزه و مقاومت ایران " ( اشرف رهقانی ) » نوشتم که به عنوان اولین نقد در زیر کلیشه کتاب در سایت سپاهکل بر قرار گردید . عنقریب آن را غرض مطالعه خوانندگان گرامی در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" خواهم فرستاد .]

در رابطه با زجر و شکنجه و اعدام و کشتار های دسته جمعی در زندان های جمهوری اسلامی نیز کتابهای بسیاری نوشته و چاپ شده است . نگارنده این نوشتار که مهمترین سالهای زندگی مبارزاتی اش را سیاه چال های هراس انگیز و هولناک زندان مخوف و مشهور پلچرخی ازوی گرفته است ، تا کنون توانسته چند اثر مربوط به خاطرات زندانهای رضا شاه و خمینی جلال را دستیاب و مطالعه نماید، که خاطرات داکتر غفاری و ایرج مصداقی شامل آن بوده است . این قلم از کتاب ایرج مصداقی به نام (" نه زیستن نه مرگ – غروب سپیده " ) که در چهار جلد منتشر شده ، از جلد اول آن در مورد انواع شکنجه و ... در زندانهای جمهوری اسلامی از ابتداء تا کنون، فراز هائی را انتخاب و در معرض دید خواننده هم میهنان قرار می دهم تا به آنده از هموطنان طرفدار حزب وحدت و سرداره های خون آشام و پلیدش مزاری ، محقق و خلیلی، به خصوص جمعیت اسلامی و شورای نظر مسعود که زیر تأثیر ستایش های آمیخته با کرنش قلم به دستان این باند ها از برادر بزرگ شان جمهوری اسلامی [ که بنا بر مصلحت آمران روسی شان با واواک جمهوری اسلامی ایران ارتباط استخباراتی برقرار ساخته و از آن خوان نعمت نیز می خورند ، مثل قوی کوشان ، مصطفی کاظمی و همدیفانشان که بعداً

تذکری در مورد شان داده خواهد شد] قرار گرفته ؛ همچنان نوشته ها ، خطابه ها و صحبت های کسانی را که در جریان سالهای درد آور پناهندگی در آن کشور تن به خیانت به وطن داده به عضویت این سازمان جهنمی درآمده و برای منافع آن قدم و قلم زده ، به تطهیر و تبرئهٔ خیمنی و خامنه ای و باند ساخته شدهٔ آنها ، یعنی باند وحدت در افغانستان مشغول اند و تبلیغات شان را با نیت پاک وبدون چون و چرا می پذیرند ، همینطور تبلیغات سیستماتیک اعضای ایرانی واواک را [که زیر پوشش های مختلف ، مثل فلمساز و شاعر وکارکنان فنی در پروژه های تکنیکی و فرهنگی در افغانستان مشغول کار جاسوسی به نفع جمهوری اسلامی بوده و مسعود را برتر از ناپلیون و مائو و چه گوارا و هوچی من جلوه داده به وی مرتبه "ولی" و "قطب" و "غوٹ" و "ابدال" اعطا نموده و از وی «سید مهدی آتش نفس» [ ۱ ] ساخته اند ] باور می نمایند ، کمکی کرده باشد ، تا شناخت بیشتر و بهتر از واقعیت نهایت پلید رژیم جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیزم پیدا نمایند .

در صفحه ۲۶۳ جلد اول کتاب در بارهٔ شکنجه - شکنجه های جسمی و روانی در دوران باز جوئی ، زندان ، بهداری ، دادگاه ، پیش از اعدام و به هنگام اعدام و تداوم آن پس از آزادی از زندان ، شکنجه های که بر خانوادهٔ زندانیان اعمال می شد ؛ گونه های شکنجه و ... ؛ چنین آمده :

« تمامی رژیم های سرکوبگر استفاده گسترده از شکنجه را به عنوان اصلی ترین و کارساز ترین ابزار برای دستیابی به اطلاعات به منظور دستگیری ، سرکوب ، فرو پاشی و نابودی نیرو های سازمان های مترقی مبارز و مخالف خود می شناسد .

آن چه که رژیم جمهوری اسلامی را از دیگر رژیم های سرکوبگر دنیا متمایز می کند ، تداوم شکنجه ، آزار و اقدام های خود سرانه و غیر انسانی بعد از دوران بازجوئی و در دوران تحمل کیفر و حتا بعد تر در هنگام آزادی از زندان است . دامنهٔ اقدام های سرکوبگرانه تا آنجاست که خانواده و کودکان زندانیان را نیز در بر می گیرد .

نویسنده ، شایع ترین انواع شکنجه را در دوران بازجوئی به دو دستهٔ جسمی و روانی تقسیم کرده و آن را طی ۱۶ صفحه (به طور مفصل) توضیح داده است:

حال نوشته مصدقی را در ذیل دنبال می نمایم :

#### « ۱ - شکنجه در دوران باز جوئی :

شایع ترین انواع شکنجه های که در دوران بازجوئی در زندان های رژیم اعمال می شوند ، می توان به دو دستهٔ جسمی و روحی تقسیم کرد .

#### ۱-۱ شکنجه های جسمی

#### ۱-۱-۱-۱ کابل [کیبل] زدن و شکنجه های توأم با آن

- زدن کابل در قطر های گوناگون در مراحل مختلف شکنجه به کف پاها در حالی که کهنه ای کثیف یا جوراب در دهان زندانی فرو کرده اند؛

- زدن کابل به پشت و کمر و باسن ؛

- زدن کابل به سر ( حد سر در گوهر دشت )، آلت تناسلی ؛

- کابل زدن روی پاهای شکنجه شده و بانداز شده ؛

- کشیدن جسم سخت ، نوک تیز یا برس سیمی به پاهای شکنجه شده و بی حس شده ؛

- اجبار زندانی به بالا و پائین پریدن روی پاهای شکنجه شده ؛

- لگد کردن پاهای شکنجه شده با پوتین ؛

- قطع عضو زیر کابل ، قطع انگشت و ناخن ؛

هیچ شکنجه ای درد ناکتر از زدن کابل به کف پا نیست . در واقع این نوع شکنجه ، کار ساز ترین ، وحشیانه ترین و شایع ترین نوع شکنجه است .

[ مصداقی در زیر هر عنوان مثلاً " کیبل زدن و شکنجه های توأم با آن " چند و چندین پیکره مربوط به نوعیت های مختلف شکنجه توسط کیبل را که در بالا به آن پرداخته شد ، توضیح کرده و این قلم برای فشرده ساختن عنوان های بعدی صرفاً به درج یک یا دو پیکره مربوطه بسنده می نماید ، تا مطالعه تمامی پیکره های زیر هر عنوان موجب تلف شدن وقت و ملال خاطر خواننده نگردد. **توخی** ]

#### ۱-۱-۲-۱ آویزان کردن :

- آویزان کردن فرد از سقف به وسیله دست ها ( همچنان پاها ) ؛

- جوجه کباب ، نوعی از بستن زندانی و توأم کردن آن با ضربات کابل ( هادی خامنه ای در اتاق ما ، خود به دیدن آن اعتراف کرد)؛

#### ۱-۱-۳-۱ سوزاندن

- سوزاندن با فندک ، سوزاندن با نفت و گازوئیل و سوزاندن عورت با چوب گازوئیلی ( نامه محمود محمودی یزدی یکی از نمایندگان منتظری در زندان ها به خمینی در آبان (عقرب) ۶۶ که در کتاب خاطرات منتظری نقل شده ) ؛

- روشن کردن شمع زیر بیضه ها که از آن به عنوان مراسم جشن تولد یاد می شود ( در رابطه با متهمان دادگاه ویژه روحانیت در تهران به کار برده می شد . از یک منبع کاملاً موثق شنیده ام )

#### ۱-۱-۴-۱-۱ ضرب و شتم :

- شکستن دست و پای زندانی ، دنده (قبرغه) از جا در آوردن کتف (شانه) و... ؛

- توپ فوتبال . چند نفر باز جو زندانی را در میان خود به شکل توپ فوتبال با ضربات مشت و لگد به یکدیگر پاس می دهند ؛

#### ۱-۱-۵- انواع دیگر شکنجه :

- بستن وزنه سنگین به بیضه ؛ (قرار دادن بیضه ها در یک گوی ویژه که به بیضه ها فشار آورده و تولید درد وحشتناکی کرده و باعث بیهوش شدن زندانی می شود ؛

- قطره چکان . بستن فرد و چکاندن قطره های آب روی سر او که در دراز مدت کار ساز است ( هادی خامنه ای در اتاق ما اعتراف به دیدن آن کرد ) ؛

#### ۱-۱-۶- تجاوز ، تهدید و سوء استفاده جنسی :

- تجاوز به زنان زندانی توسط بازجویان ، حکام شرع ، پاسداران و... ( و تجاوز جنسی به مردان ، و... )

- استعمال اشیای سخت در مقعد مردان به منظور تحقیر آنان؛

#### ۱-۱-۷- شکنجه و آزار و اذیت در بهداری :

- عمل جراحی بدون بی هوشی و یا بی حسی موضعی ( وکشیدن دندان بدون استفاده از داروی بی حسی ) ؛

- فرو کردن پنس و جسم تیز در زخم های ناشی از شکنجه توسط بازجو در بهداری ؛

#### ۱-۲- شکنجه های روحی:

##### ۱-۲-۱- شکنجه های روحی زندانی در ارتباط با خانواده :

- گرسنگی دادن به طفل شیر خوار برای فشار روی مادر؛

- شکنجه کردن اعضای خانواده در مقابل دیدگان زندانی ، شنیدن فریاد های استغاثه آمیز و ملتسمانه همسر ، پدر و مادر ، فرزند و... در زیر شکنجه ؛

##### ۱-۲-۲- خرد کردن شخصیت زندانی:

- اجبار زندانی به در آوردن صدای حیوانات مانند عرعر کردن ، پارس کردن (وبر زبان راندن عبارات تحقیر آمیز چون " گه خوردم" و.. ) ؛

##### ۱-۲-۳- اعدام مصنوعی و... :

- اجرای نمایشی مراسم دار زدن زندانی ، (طناب به دورگردن زندانی انداخته شده و به آهستگی و به احتیاط وی را بالا می کشند . پا ها از روی زمین جدا شده و حالت خفگی به زندانی دست می دهد . این عمل چندین بار تکرار می شود ) ؛

- فرا خواندن های متوالی در شب به منظور آماده شدن برای اجرای حکم اعدام و منتظر نگهداشتن وی ؛ ( و تهدید به اعمال شکنجه های وحشیانه و کشتن زیر شکنجه ( با توجه به سوابق امر و تجربیات زندانی ، تنها شکل تهدید نداشته ) ؛

۴-۲-۱- اجبار زندانی به دیدن صحنه های دلخراش :

- بردن زندانیان به صحنه های اعدام و اجبار آن ها به شرکت در جوخه اعدام ، زدن تیر خلاص ، حمل جنازه ، دادن شعار علیه قربانیان ؛

- اجبار زندانی به دیدن صحنه دلخراش اعدام همسر ، برادر و ... و نشان دادن پیکر درهم شکسته شده فرزند ، همسر ، برادر و ... ؛

۵-۲-۱- چشم بند سلول انفرادی و ... :

- استفاده از چشم بند در مراحل دستگیری ، بازجوئی و شکنجه که گاه تا ماه های متوالی ادامه می یابد ؛

- بیدار نگهداشتن زندانی برای ساعت ها و روز های متوالی ( ونداشتن ملاقات با بستگان درجه یک )

۶-۲-۱- شکنجه و آزار و اذیت در دادگاه :

- ضرب و شتم زندانی در دادگاه توسط حاکم شرع

- اعمال فشار روی زنان زندانی از طریق طرح سؤال در مورد آمادگی شان برای ازدواج با پاسدار و افراد حزب اللهی سوءاستفاده های زیادی به این ترتیب به ویژه از زندانیان تواب در کلیه مراحل بازجوئی و دوران زندان به عمل آمده است ؛

**۲- شکنجه و رفتار وحشیانه پیش از اعدام ، به هنگام اعدام و تداوم آن بعد از اعدام :**

- شلیک در رحم و بیضه زندانی، تأخیر در زدن تیر خلاص به زندانی به منظور جانکاه تر کردن مرگ ، شلیک از کمر به پائین و رها کردن زندانی ، مرگ در زیر شکنجه و ضربات کابل ( کیبل)، زنده به گور کردن افراد (در شهرستان ها اتفاق افتاده است) ؛ کشیدن خون زندانی قبل از اعدام ،  
- تجاوز به زنان باکره قبل از اعدام و اعدام زنان باردار (حامله) ؛

**۳- شکنجه های معمول و رایج در طول دوران سپری کردن محکومیت :**

۱-۳- نگهداشتن زندانیان در فضاءهای کوچک :

- جای دادن ده ها زندانی در سلول های مجرد با مساحت کمی بیش از ۴ متر مربع در (زندان) قزل حصار و عدم برخورداری از حد اقل نور و هوا ؛

- حبس کردن زندانی در سلول های انفرادی بدون امکان مطالعه ، هواخوری و... برای ماه ها و سالها که گاه سلول فاقد زیر انداز ، موکت و پتوی کافی بود ؛

۲-۳- بی خوابی و سر پا نگهداشتن :



- اجبار زندانی به سر پا ایستادن و نخوابیدن در زیر هشت بند روز های متوالی در حالی که دیگران شب ها را در طول راهرو بند و سلول ها گوش تا گوش در کنار هم خوابیده بودند و زندانی بادیدن آنها مجبور به تحمل شرایط فوق العاده وحشتناکی می شد ؛

- بیخوابی مزمن به خاطر نبود جای خواب ، روشن بودن چراغ اتاق در شب و... لگد زدن به در سلول های انفرادی در نیمه های شب ؛

۳-۳- قفس ، واحد مسکونی:

- نشان دادن زندانی در جعبه با چشم بند برای ماه های طولانی؛

- خواباندن زندانی بر روی تخت و بستن دست و پای وی به تخت ، همراه با داشتن چشم بند برای ماه های متوالی ؛

۳-۴- انواع دیگری از شکنجه و آزار و اذیت معمول در زندان:

- اجرای حکم شلاق در هر و عده برای زندانیان مارکسیست که نماز نمی خواندند ( بعد از قتل عام ۶۷ ) ؛

- سوء استفاده جنسی نگهبانان و پاسداران مرد از زندانیان کم سن و سال ؛

۴- شکنجه های رایج در دوران تسلط بهزاد نظامی در قزل حصار:

- زدن موی سر زندانی و ریختن آن در توالت و اجبار او به خوردن آن ؛

- اجبار زندانیان به زدن کابل به دوستان شان ؛

ادامه دارد

## توضیحات

[ ۱ ] دو سه تن از دیپلماتهای جمهوری اسلامی از جانب مرکز شان ( وواک ) دستور دریافت کرده بودند که به خاطر تداوی "مرض لاعلاج" اطفال شان رنج مسافرت از ایران به پنجشیر را متحمل شوند و از قبر آنجناب (احمد شاه مسعود قهرمان) خاکی بر داشته آن را در گلوی اطفال معصوم خود بمالند و مدتی بعد باخوشی به مردم منطقه بگویند که تب دایمی طفل شان که در ایران معالجه نشده بود، برطرف شده و صحت یاب گردیده .... این جنایتکاران دیپلمات شده چنین کردند . شاید اعضای سفارت ایران از گذشته - سالهای ۱۳۳۰ - اطلاع حاصل کرده بودند که مردم کابل به خاطر برطرف شدن ("سیاه سرفه") به زیارت سید مهدی "آتش نفس" که یک منزل از سطح زمین پائین بوده (واقع در میدان هوایی سابق در غرب سفارت امریکا) رفته با انگشت شهادت مقدار خاک آن مرحوم را برداشته بعداً آن را به داخل گلوی طفل یا کودک شان فرو برده به دورا دورا غشای مخاطی وی می مالیدند تا "خراسک" وی شفاء یابد]

با درنگی مختصر ، بر پاره ای از عملکرد های جمهوری اسلامی ایران  
میتوان ماهیت اصلی آنها بر ملا نمود.

---